

اگوست 12, 2020

سنگ بنای رژیم جمهوری اسلامی در خون و اعدام گذاشته میشود.

. اعدام در خدمت تحکیم پایه های رژیم اسلامی قرار میگیرد



همزمان با استقرار حکومت جمهوری اسلامی بعد از ۲۲ بهمن سال ۵۷ با حکم خمینی، صادق خلخالی حاکم شرع شد و دادگاه انقلاب اسلامی شکل گرفت. از ۲۶ بهمن ۵۷ تا ۱۸ اردیبهشت ۵۸ بسیاری از سران و امرای کشوری و لشکری رژیم شاهنشاهی بدون محاکمه عادلانه، بدون وکیل مدافع و بدون رعایت موازین حقوق بشری، در دادگاه های حداکثر نیم ساعته و با موازین شرع اسلام، محکوم و تیرباران شدند. طی دو ماه در مجموع ۴۳۸ نفر در مدرسه علوی و زندان قصر اعدام شدند. متأسفانه نه تنها افکار عمومی جامعه، با این اعدام ها همراهی نمود، بلکه اکثر نیروهای چپ و نیز مجاهدین با این اعدام های خلاف حقوق بشر و ناعادلانه، همراهی نمودند بخصوص اکثریت و حزب توده که با توجیه "ضرورت انقلاب" علنی و آشکار خلخالی را تشویق و خمینی را تمجید کردند.

اعدام بعنوان ابزار اصلی سرکوب جنبش ها بکار گرفته میشود

در چهارشنبه ۹ خرداد ۵۸ (چهارشنبه سیاه) جنبش خلق عرب در سراسر خوزستان توسط دریادار احمد مدنی - عضو ارشد جبهه ملی - که استاندار خوزستان نیز بود و دیگران، مورد یورش قرار گرفت. کانون های سیاسی و فرهنگی خلق عرب بویژه در اهواز به خاک و خون کشیده شدند.

بدنبال آن خلخالی جلاد در کنار احمد جنتی حاکم شرع وقت خوزستان و مصطفی پورمحمدی دادستان وقت خوزستان به اعدام دستگیرشدگان با محاکمه صحرایی و خیابانی چند دقیقه ای دست یازیدند. خلخالی جلاد در سراسر خوزستان سایه مرگ پراکند بنا بر گفته خودش بیش از ۱۰۰ نفر اعدام شدند.



با فرمان جهاد خمینی در ۲۷ مرداد ۵۸ سرکوب کردستان آغاز گردید. پس از تسخیر شهرها توسط ارتش و پاسداران، خلخال جلاد یکی پس از دیگری به شهرهای کردستان وارد میشود و بساط اعدام های چند دقیقه ای را می گستراند. وی در ۵ شهریور ۵۸ در محوطه فرودگاه سنندج به اعدام یازده نفر از زخمی ها و دستگیرشدگان دست می زند. در همین روز خبرنگار فرانسوی پاری ماچ مینوسید: “کردها زیر گلوله الله”. اعدام بسیاری از زنان و کودکان بی دفاع در روستا های قارنا و قه لاتان و بعدا در سوزی و قره گل توسط ملا حسنی امام جمعه ارومیه و دار و دسته اش صورت گرفت. بنیاد برومند در بازه زمانی ۵۹ - ۶۹ تعداد کشته ها و اعدامی های مبارزین کرد را بیش از ۲۴۰ نفر مستند کرده است.

۳

در روز ۱۸ بهمن ماه ۵۸ سپاه پاسداران و حزب اللهی ها به ستاد و شورا های خلق ترکمن در گنبد یورش بردند. ۲۱ بهمن خلخال وارد گنبد می شود. وی بسیاری از اسرا و منجمله ۴ تن از رهبران شورا های خلق ترکمن را که اسیر بودند مخفیانه اعدام می کند. خود وی در سوم شهریور سال ۶۳ در جلسه علنی مجلس میگوید: “یکی از کارهای برجسته و انقلابی در گنبد بود..... ۹۴ نفر را اعدام کردم نه یک نفر را.... من توماج، مختوم، واحدی و جرجانی را بگذارم زنده بمانند که چه بشود؟”

۴



خمینی در سخنرانی نوروزی ۵۹ میگوید: دانشگاه باید از بنیان تغییر کند و اسلامی شود. در پی آن شورای انقلاب فرهنگی شکل میگیرد. در ۲۹ فروردین شورای انقلاب ۳ روز به دانشگاه ها مهلت میدهد تا دفاتر نیروهای سیاسی مسدود و پاکسازی آغاز شود. دانشجویان دانشگاه ها در سراسر ایران به مقاومت و مقابله بر می خیزند. در اغلب شهر های دانشگاهی دانشجویان درگیری با حزب اللهی ها و طرفداران رژیم کشته و زخمی میشوند. بدین ترتیب رژیم اسلامی با کشتار و سرکوب خونین تصفیه دانشگاه ها و انقلاب فرهنگی کذایی را به اجرا میگذارد. در این جریان بسیاری از دانشجویان دستگیر و زندانی و اعدام میشوند. تعداد اعدام شدگان انقلاب فرهنگی نامعلوم است.

۵

بنا به گفته خمینی جنگ ایران و عراق یک “نعمت” بود زیرا که در خدمت سرکوب نیروهای سیاسی و مبارزین قرار گرفت.

سوء استفاده رژیم جمهوری اسلامی از جنگ و شرایط جنگی در سرکوب نیرو های سیاسی و تحکیم و توسعه جو خفقان اجتماعی را همه افراد جامعه با پوست و گوشت خود لمس کرده اند. بسیاری از معترضین به جنگ و آزادی خواهان در پوشش فضا و شرایط جنگی اعدام شده اند که تعدادشان نامعلوم است.

اعدام ها برای بقای نظام و تضمین آینده آن تداوم می یابد.

* ۶۰ سی خرداد سال

در طی درگیری ها و تظاهرات خیابانی یک ماهه که از روز ۳۰ خرداد سال ۶۰ بین مجاهدین و چپ ها از یک طرف و نیروهای رژیم از طرف دیگر تداوم یافت بیش از هزار نفر بازداشت شدند. بیش از ۱۰۰ نفر کشته و ۲۵۰ نفر مجروح در کف خیابان ها برجای ماندند. ماشین سرکوب، شکنجه و کشتار براه می افتد. اعدام های روزانه و شبانه در اوین جریان می یابد. زندانیان شب ها تیرهای خلاص را شماره میکردند. روزنامه ها عکس ها و اسامی اعدام شدگان را بمنظور ایجاد رعب و وحشت درج می کردند. قریب ۶۰۰ نفر در تیر ماه سال ۶۰ اعدام شدند. و در مهر ماه همان سال نیز ۳۰۰ تن دیگر تیر باران گشتند. و در فاصله سال های ۶۰ تا ۶۴ حداقل ۳۰ نفر کودک زیر ۱۵ سال اعدام شدند. و تا سال ۶۴ بیش از ۶۰۰۰ نفر در زندان های سراسر کشور اعدام و یا زیر شکنجه کشته شدند

*کشتار بزرگ زندانیان سیاسی در سال ۶۷



وجود تعداد انبوهی از زندانیان سیاسی در سراسر کشور که مدت های زیادی در زندان بودند و تجربه و آگاهی داشتند در صورتی که آزاد میشدند، در شرایط بروز تحرکات سیاسی و اجتماعی، با توجه به نقش پیشاهنگی و سازمانگرانه آنان می توانست معضل بالقوه بزرگی برای رژیم باشد. به همین دلیل رفسنجانی در خاطراتش می نویسد که یکی از مسائلی که از امام خواستیم که قبل از فوتش حل کند، مسئله زندانیان سیاسی بود. در تابستان سال ۶۷ در تهران و زندان های سراسر کشور با فرمان خمینی و تشکیل “هیئت مرگ” و با دادگاه های چند دقیقه ای و با چند سوال و جواب کشتار بزرگ زندانیان سیاسی روی میدهد. در طی مرداد و شهریور بیش از ۵۰۰۰ نفر زندانیان مجاهدین و چپ ها در فضای قطع رابطه ها و ملاقات ها بنحو “مطلق و آهین” و “سکوتی مرگبار” اعدام و تیرباران شدند. پیکر ها شبانه به گور های دسته جمعی سپرده شدند و بدین ترتیب “خاوران” ها (بیش از ۳۰ مورد در سراسر ایران) پدید آمدند. چنان گورستان های بی مرزی شیار زدند که هنوز از چشم ها خونابه روان است. (نقل از شاملو). دستگاه کشتار زندان ها، بعد از پایان کارشان، وصیت نامه و وسایل اعدامی ها را به خانواده ها تحویل دادند ولی از مطلع کردن آنان از نشانی و محل دفن عزیزان جان باخته شان بطور مطلق خودداری کردند. خانواده ها و بویژه مادران در جستجوی محل دفن برآمدند. “خاوران” ها یافته شدند و “مادران خاوران” به افشاگری روی آوردند. محسن کدیور اسلام شناس میگوید: “از سال ۵۷ تا ۶۷ تعداد ۱۳۷۰۰ نفر اعدام شدند

اعدام ها در امر سرکوب شورش های مشهد، اراک و اسلامشهر نیز بکار گرفته میشوند

در اردیبهشت سال ۷۱ در اراک، اسلامشهر و مشهد تظاهرات و شورش هایی روی میدهد که با سرکوب شدید و اعدام همراه بودند. عبدالله نوری اصلاح طلب می گوید: “مسئولین امنیتی و قضایی آنچنان با قدرت و قاطعیت با عوامل حوادث مشهد برخورد خواهند کرد که دیگر چنین رویدادهایی تکرار نشود.” و دادستان مشهد چند روز بعد با اطلاعیه ای اعلام میکند که ۴ نفر اعدام شدند

*قتل های زنجیره ای

اعدام های معروف به قتل های زنجیره ای بمنظور حذف چهره ها و شخصیت های سیاسی و ادبی طرح ریزی میشود



در بازه زمانی سال های ۶۷ تا ۷۳ و از ۷۵ تا ۷۷ در دو مرحله مجموعاً ۸۰ تن از نویسندگان، شعرا، مترجمین و چهره های سیاسی با شیوه های گوناگون به قتل رسیدند. این حذف ها از کاظم سامی در ۶۷ تا ... فروهرها و ... محمد جعفر پوپنده در ۷۷ تداوم داشتند. این قتل های برنامه ریزی شده توسط حاکمیت که با فتوای اسلامی و بدست عوامل اطلاعات رژیم انجام پذیرفت را خاتمی "رهبر اصلاحات" کار برخی "عوامل خود سر" اعلام و ماست مالی کرد

*جنبش دانشجویی تیر ماه سال ۷۸

در روز های ۱۸-۲۳ تیر ماه سال ۷۸ جنبش دانشجویی در اعتراض به بسته شدن روزنامه سلام به تظاهرات دست میزند. این حرکت در طی ۳ روز لرزه بر اندام رژیم می اندازد. شبانه ارادل و اوباش حزب الله، چماقداران و لباس شخصی ها به خوابگاه دانشجویان در کوی دانشگاه تهران حمله ور میشوند. دست به ضرب و شتم وسیع و هولناکی میزنند و برخی از دانشجویان را یا زهرا گویان از پنجره های خوابگاه به بیرون پرتاب میکنند. ۷ نفر در طی این اعتراضات کشته و مفقود میگردند. عزت الله ابرهیم نژاد و فرشته علیزاده کشته های شناخته شده و بقیه نامعلوم اند. سعید زینالی هنوز مفقود است.

*جنبش باصطلاح سبز سال ۸۸



در اعتراض به تقلب انتخاباتی خردادسال ۸۸ جنبشی شکل گرفت که از رای من کو شروع شد و با مرگ بر اصل ولایت فقیه و مرگ بردیکتاتور به اوج خود رسید. در طی این جنبش، در مقاطع مختلف چه با تیراندازی از پایگاه بسیج به تظاهرات مسالمت آمیز و چه با تک تیراندازی ها در خیابانها و کوچه ها - کشتن ندا آقاسلطان و دیگران، سرکوب خونین در خیابانها توسط لباس شخصی ها و دستگیریهای وسیع، فاجعه کشتار و تجاوز ها در کهریزک رقم خورد. در طی سال ۸۹-۸۸ علاوه بر

مهاجرت موج وسیعی از روزنامه نگاران و فعالین سیاسی به خارج کشور بیش از ۱۵۲ نفر اعدام شدند .

اعدام بمثابه امری در خدمت حذف رقبای ایدئولوژیک نظام نیز قرار میگیرد.

کار کرد ماشین اعدام در جمهوری اسلامی فقط به کشتار و اعدام مخالفین و معترضین سیاسی محدود نمیشود بلکه سرکوب و اعدام بهائیان و در ایش بمنظور حذف رقبای ایدئولوژیک نظام نیز بکار گرفته میشود . در طی این چند دهه بیش از ۲۰۲ نفر از بهائیان اعدام شده اند . در اواخر بهمن و اوایل اسفند ۹۶ سرکوب شدید در ایش گنابادی در خیابان پاسداران تهران، کشته شدن محمد راجی در زندان و اعدام محمد ثلاث نمونه دیگر است

در رژیم جمهوری اسلامی اعدام وسیله ای برای قدرت نمایی نظام نیز هست.

اعدام نه تنها در خدمت سرکوب جنبش ها ، حفظ و بقای نظام و ایجاد رعب و وحشت قرار می گیرد بلکه برای لاپوشانی ضعفها و ناتوانی نیروهای امنیتی نظام و برای رخ کشیدن قدر قدرتی آنان نیز بکار میرود. پرونده سازی پوشالی و اعتراف گیری اجباری در پرونده ترور هسته ای که به اعدام محمد فشی و افشاگری مازیار ابراهیمی انجامید و ماجرای ترور فرزند امام جمعه مریوان که اعدام زانیار و لقمان مرادی و رامین حسین پناهی را به جرم ناکرده (بنا به گفته وکیل آنان) در پی داشت، نمونه های بارز آنند

ترور شکلی از اعدام دولتی است که نظام اسلامی بطور وسیع از آن استفاده کرده است



رژیم جمهوری اسلامی در طی چهل و اندی سال تنها به سرکوب و اعدام مخالفین در داخل کشور اکتفاء نکرده بلکه به ترور سازمانیافته دولتی در خارج کشور نیز دست زده است که شکل دیگری از اعدامهاست. از سال ۶۰ تا کنون ترور های بسیاری را در پاکستان، ترکیه، سوئیس، وین، آلمان و کردستان عراق انجام داده است که آخرین مورد آن ترور اقبال مرادی پدر زانیار مرادی است که جسدش در تاریخ ۲۶ تیر ماه ۹۷ در کنار رودخانه مرزی ایران و کردستان عراق یافته شده است

*شورش های دی ماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸

دو موج بزرگ خیزش توده ای در دی ماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸ برای نان، کار و آزادی به وقوع پیوست. در این خیزش های خود انگیخته توده های مردم با شهادت رو در روی رژیم ایستادند و با صدای رسا شعار نابودی و نفی اش را سر دادند و گفتند که: ما جمهوری اسلامی نمی خواهیم. رژیم نیز رو در روی مردم ایستاد و با سرکوب و گلوله های مستقیم پاسخ داد. در این شورش جوانان بیش از صد شهر کوچک و بزرگ بپا خاستند و بسیاری از بانک ها و اماکن بسیج و حوزه را به آتش کشیدند. نیروهای سرکوبگر نظام و به ویژه لباس شخصی ها صد ها تن را کشتند و بیش از هزاران تن را محروم کردند. و بسیاری به حبس های طولانی مدت محکوم شده و یا تحت شکنجه کشته و اعدام شدند. در

همین تیر و مرداد ۹۹ سه نفر در زندان ارومیه (دیاکو رسول زاده-صابر شیخ عبدالله-هدایت عبالله پور) و یک نفر در مشهد(مرتضی جمالی) اعدام شدند. در ۱۵ مرداد ۹۹ مصطفی صالحی در ارتباط با اعتراضات دی ماه ۹۶ اصفهان بدار آویخته شد.



بعلاوه رژیم داس مرگ در پوشش حکم اعدام را بالای سر زندانیان این خیزش ها نگه داشته و هرازگاهی برای تعدادی حکم صادر میکند و مترصد سنجش اوضاع جهانی و روحیات توده های مردم است تا سیاست همیشگی خودش، یعنی داس مرگ را به حرکت در آورد و اعدام ها را به اجرا بگذارد. گرچه توده های مردم در یک واکنش بزرگ یازده میلیونی با هشتگ “اعدام نکنید” در شبکه های اجتماعی، اعتراض و انزجار خود را در یک همبستگی داخلی و خارجی به نمایش گذاردند و رژیم را مجبور به توقف موقت اعدام سه جوان مرتبط با تظاهرات آبان ۹۸ (امیر حسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی) نمودند ولی چند روز بعد رژیم حکم اعدام ۵ جوان مرتبط با تظاهرات دی ۹۶ در اصفهان (مهدی صالحی، محمد بسطامی، مجید نظری کنذری، عباس محمدی و هادی کیانی) را صادر کرده است.

اکنون ترس از خیزش و شورش های آتی در جامعه سرپای رژیم را دربرگرفته و این نکته را سران و اعوان و انصارش آشکارا بر زبان میرانند. بر ماست که در چنین شرایطی با همراهی و همدلی با جنبش ها و اعتراضات دادخواهانه به تقویت شرایط به نفع آزادی و عدالت بکوشیم. و با صدای رسا خواهان نفی ترور، شکنجه و اعدام گردیم.